آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هفتم
شماره ۱۸۶۳
یکشنبه
۱۴۰۳ • ۰۴ • ۱۰
۲۳ ذی‌الحجه ۱۴۴۵/ ۳۰ ژوئن ۲۰۲۴

ذره بین

احمدی‌نژاد بدهکارترین رئیس دولت

آمار بدهی‌های خارجی کشور تا پایان آذرماه ۱۴۰۲ نشان می‌دهد با ادامه روند کاهشی در دولت سیزدهم، حجم بدهی‌ها به پایین‌ترین مقدار در ۲۵ سال گذشته رسیده است. با بررسی داده‌های منتشر شده بانک مرکزی، پس از خروج آمریکا از برجام بدهی‌های خارجی ایران به شدت کاهش یافته و به کمترین مقدار در ۲۵ سال گذشته رسیده است. برخی کارشناسان کاهش حجم بدهی‌های خارجی را یک دستاورد و برخی دیگر نشان‌دهنده ناتوانی دولت در ایجاد روابط بین‌المللی قلمداد می‌کنند. در همین زمینه مقالات علمی متعددی پیرامون نقش مثبت یا منفی بدهی‌های خارجی در توسعه کشورها منتشر شده است.

افزایش بدهی خارجی، ضامن توسعه یا چاقوی دولبه؟

بدهی خارجی مجموعه‌ای از تعهدات ایجاد شده در نتیجه دریافت تسهیلات از بانک جهانی یا سایر سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی یا از کشورهای دیگر به منظور تامین مالی پروژه‌ها و همچنین پیش فروش نفت و اوراق قرضه بین‌المللی را شامل می‌شود. به عقیده برخی استقراض از کشورهای خارجی و نهادهای بین‌المللی برای تامین کسری بودجه یک راهکار معمول میان کشورهای مختلف است. افزایش بدهی‌های خارجی به معنای تقویت روابط بین‌المللی و ضمانت بازپرداخت توسط آن کشور است. هر چند باید توجه داشت که هرچه حجم بدهی افزایش یابد، آسیب‌پذیری کشور در برابر شوک‌های جهانی بیشتر می‌شود. مطابق آمار منتشر شده توسط بانک مرکزی، حجم بدهی خارجی ایران در دولت‌های مختلف، متناسب با وضعیت سیاست خارجی کشور و میزان درآمد از صادرات نفت رابطه ملموسی داشته است. طبق داده‌های بانک مرکزی دولت ششم هفده میلیارد و ۷۲۵ میلیون دلار بدهی برای دولت بعدی به ارث گذاشت. درآمدهای نفتی نیز در اواخر دهه هفتاد کاهش چشمگیری داشتند. در ادامه دولت اول اصلاحات به‌رغم بهبود تعاملات با دنیا تا سال ۱۳۸۰ از حجم این بدهی‌ها کاست. به عقیده برخی کارشناسان، آزاد شدن تبادلات بانکی و افزایش اعتماد نهادهای بین‌المللی به ایران سبب شد تا با افزایش دوباره قیمت نفت میزان بدهی ایران از هفت هزار و ۸۱ میلیون دلار در سال ۸۰ به پانزده هزار و ۶۶۵ میلیون دلار در سال ۸۴ برسد. محمود احمدی‌نژاد نیز این روند رو به رشد را ادامه داد. سقف بدهی‌های خارجی ایران در سال ۱۳۸۶ به بیست و هشت هزار و ۶۴۷ میلیون دلار رسید که بیشترین میزان در میان دولت‌های بعد از انقلاب بوده است. این دوران با آغاز گمانه‌زنی‌ها درباره پرونده هسته‌ای ایران در مجامع بین‌المللی همزمان بود. با شروع وضع تحریم‌های بانکی علیه ایران، بانک‌ها و نهادهای بین‌المللی به‌دلیل عدم وجود ضمانت ایران برای بازپرداخت، از دادن وام به ایران امتناع می‌کردند. بدهی خارجی ایران در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۸۶ هفتاد درصد کاهش یافته بود. با آغاز به کار دولت یازدهم و امضا برجام، بدهی خارجی سالیانه ایران پس از پنج سال روند کاهشی، افزایش یافت. به عقیده برخی کارشناسان، از آنجایی که لغو تحریم‌های بانکی با اصطکاک بیشتری همراه بود و همچنین تاخیر در اجرای FATF در داخل ایران و افزایش نرخ ارز، حجم وام‌های ایران حتی به میزان قبل از تحریم‌ها نزدیک هم نشد. در نهایت با انتخاب ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور و تهدید به خروج از برجام، نااطمینانی بانک‌ها و دیگر نهادهای بین‌المللی وام‌دهنده نسبت به شرایط بازپرداخت افزایش یافت. در نهایت با خروج آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷ حجم بدهی‌ها کاهش یافت. تداوم شرایط تحریمی و قرارگرفتن در لیست سیاه FATF، در دولت سیزدهم ادامه یافت. در نتیجه میزان بدهی‌ها باز هم کاهش یافت. با این حال بسیاری از اقتصاددانان از این اتفاق استقبال کرده و از آن طرفداری می‌کنند. کاهش بدهی‌های خارجی را شاید نتوان فقط جز دستاوردهای دولت سیزدهم طبقه‌بندی کرد. چنین مساله‌ای نتیجه افزایش تحریم‌هاست و سبب شده تعداد کشورهایی که بتوانند با ایران رابطه برقرار کنند، کمتر شود و سهم ایران از تسهیلات جهانی آب برود. به عقیده بسیاری از کارشناسان، این تحریم‌ها و تحدید مبادلات بانکی سبب شده تا میزان جذب سرمایه خارجی در کشور به کمترین میزان برسد. استقراض از نهادهای بین‌المللی همواره یکی از راه‌ها برای کشورها بوده تا کسری بودجه خود را تامین کنند. با این حال تعدادی از مقالات اقتصادی از نقش مخرب این بدهی‌ها در رشد دیگر کشورها اشاره می‌کنند. به نظر می‌رسد نه کاهش بدهی‌ها و نه افزایش آن‌ها، به تنهایی نشان‌دهنده وضعیت اقتصاد یک کشور نیستند. بازپرداخت این وام‌ها برای ایران معمولا بستگی به درآمدها نفتی و نرخ ارز در داخل دارد. در نتیجه در شرایط عادی این وام‌ها برای جبران کسری بودجه و بنا کردن زیرساخت‌های جدید سودمند است. اما زمانی‌که درآمدهای نفتی کاهش می‌یابد و نوسانات نرخ ارز زیاد می‌شود، می‌تواند آفت جان اقتصاد ایران شود.

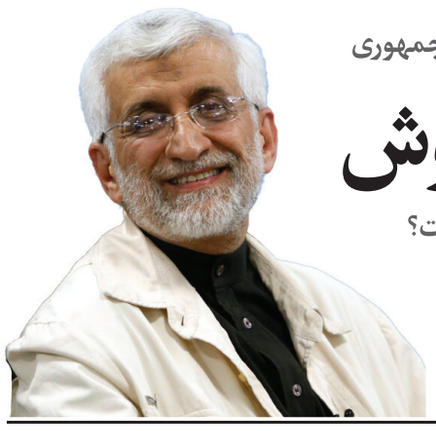

گزارش «آرمان ملی» از فضای مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری

فعال کردن آرای خاموش

زیدآبادی: آقای قالیباف پیشاپیش از چه نگران است؟

آرمان ملی– مطهره شفیعی: قالیباف از عرصه انتخابات حذف شد، او که بارها در انتخابات ریاست جمهوری شرکت و ناموفق بود، شاید این تصور را داشت که «این بار هم اصلاح‌طلبان به پای صندوق رای نخواهند آمد و رقیب او جلیلی است که در میان بخش میانه‌روی جامعه دارای رای نیست.» که این تصور غلط منجر به باخت او با ۳ میلیون و ۳۸۳ هزار و ۳۴۰ رای در مقابل ۹ میلیون و ۴۷۳ هزار و ۲۹۸ رای جلیلی و ۱۰ میلیون و ۴۱۵ هزار و ۹۹۱ رای پزشکیان شد. این باخت واکنش‌های قابل تاملی داشت مانند محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که در یک برنامه تلویزیونی در خصوص نتایج آرای انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم و رأی محمدباقر قالیباف اظهارکرد: «آقای قالیباف مدیر اجرایی خوبی بوده، ولی در انتخابات ریاست جمهوری کم توفیق است و به هر حال در سرنوشت ایشان ریاست جمهوری نوشته نشده است.» به هر حال بر اساس قانون جلیلی و پزشکیان به دوردوم انتخابات رفتند که روز جمعه برگزار می‌شود. اکنون این سوال این است که سبد رای ۲ کاندیدا برای پیروزی نهایی به چه نحوی تقویت خواهد شد.

درگیری قالیبافی‌ها برای دوردوم انتخابات

محمدباقر قالیباف طی بیانیه‌ای حمایت خود از سعید جلیلی را برای دور دوم انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد. در بخشی از این بیانیه آمده است: «راه هنوز پایان نیافته است و به رغم اینکه اینجانب برای شخص آقای دکتر پزشکیان احترام قائل هستم، اما به‌دلیل نگرانی از برخی اطرافیان ایشان، از همه نیروهای انقلابی و حامیان خود می‌خواهم که کمک کنند تا جریانی که مسبب بخش مهمی از مشکلات اقتصادی و سیاسی امروز ماست، به عرصه قدرت باز نگردند لذا همه باید تلاش کنیم تا نامزد جبهه انقلاب آقای دکتر جلیلی به‌عنوان رئیس دولت چهاردهم انتخاب شوند. اینجانب خدا را شاکرم به‌رغم اینکه منطق سیاسی حکم بر ماندن من در جایگاه ریاست مجلس می‌کرد، در انجام تکلیف و دوری از تخریب‌های گسترده، بر کرسی عافیت‌طلبی تکیه نزدم.» اما قالیباف یک نفر است و نباید تصور کرد تمام حامیان او به جلیلی رای می‌دهند چنانکه روز گذشته که محسن منصوری، معاون اجرایی رئیس‌جمهور فقید ایران و رئیس ستاد جلیلی نوشت: «اکنون که به احتمال بسیار زیاد انتخابات به دور دوم کشیده خواهد شد، با جان و دل برای پیروزی کاندیدای جبهه انقلاب هم عهد می‌شویم.» اما محسن عالی‌پور یکی از حامیان محمدباقر قالیباف در توئیتی در پاسخ به توئیت محسن منصوری نوشت: «ما هیچ عهدی با شما نداریم. یقینا مابین پزشکیان و جلیلی، پزشکیان انتخابی عاقلانه‌تر و بهتر است.»

روایت زیدآبادی از بیانیه قالیباف

احمد زیدآبادی در کانال تلگرامی خود نوشت: بیانیه آقای قالیباف از چند جهت تأسف‌بار است. اول: آقای پزشکیان به‌عنوان شخصیتی غیرتشکیلاتی، اطرافیان حزبی ندارد که بنا باشد به محض ورود او به پاستور، عموم پست‌های دولتی را اشغال کنند. او هنوز همکاران خود را معرفی نکرده و فقط بر مشی اجماعی خود تأکید کرده است. بنابراین، آقای قالیباف پیشاپیش از چه نگران است؟ دوم: اگر منظور او از اطرافیان آقای پزشکیان به فرض کسانی مانند محمدجواد ظریف هستند، آیا آنها واقعا از اطرافیان آقای جلیلی که علاوه بر اشتهار به تندروی، وجهه‌ای هم برای شخص آقای قالیباف در این انتخابات و پیش از آن باقی نگذاشتند، از نگاه رئیس مجلس باعث نگرانی بیشتری هستند؟ سوم: مگر طبق روال قبل، قرار نیست که آقای پزشکیان وزرای خود را از طریق مشورت با مقام‌های ارشد و سپس کسب اعتماد از مجلس به کار گیرد؟ با این مکانیسم دیگر چه جای نگرانی برای آقای قالیباف از همکاران آقای پزشکیان باقی می‌ماند؟ چهارم: آقای قالیباف که ریاست مجلس را به عهده دارد، آیا بهتر نبود با توجه به این جایگاه، بی‌طرفی خود را نسبت به رقابت در دور دوم انتخابات حفظ کند و از همین حالا، شائبه کارشکنی در کار دولت احتمالی آقای پزشکیان را پدید نیاورد؟ پنجم: اگر نظرتان در مورد آقای پزشکیان و همکاران بعدی او چنین است، پس چرا از همان ابتدا از تأیید صلاحیت او توسط شورای نگهبان ممانعت به عمل نیامد که با پیروزی احتمالی او عرض خود ببرید و زحمت مردم دارید؟»

بخشیدن آرای نداشته به جلیلی

سیدامیرحسین قاضی‌زاده، رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران که کاندیدای انصرافی این دوره از انتخابات است، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «ولا تکونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البینات... وظیفه امروز همه دلسوزان حمایت از کاندیدای جبهه انقلاب است. از ملت بزرگ ایران، هوادارانم و از سایر برادرانم آقایان قالیباف، زاکانی و ستادهای انتخاباتی ایشان می‌خواهم از برادر گرانقدر آقای دکتر سعید جلیلی حمایت کنند.» البته به‌نظر نمی‌رسد رای قاضی‌زاده آن اندازه باشد که آرای جلیلی را متحول کند بنابراین نوشته او را باید یک تعارف دانست. رئیس ستاد انتخاباتی علیرضا زاکانی از حمایت ستادهای تبلیغاتی این نامزد انصرافی از سعید جلیلی دیگر نامزد انتخابات ریاست جمهوری خبر داد. لطفا... فروزنده، رئیس ستاد انتخاباتی علیرضا زاکانی کاندیدای انصرافی چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در صفحه شخصی خود نوشت: «در دور دوم انتخابات ضمن حمایت قاطع از دکتر سعید جلیلی اعلام می‌دارد: کلیه ستادهای تبلیغاتی دکتر زاکانی در سراسر کشور با تمام توان و ظرفیت برای پیروزی کاندیدای جبهه انقلاب تلاش خواهند کرد.» پس از آن، محمد فاضلی، جامعه‌شناس نوشت: «این حمایت روشن و بی‌پرده زاکانی از آقای جلیلی، پیام روشنی برای جامعه خواهان تحول ایران است. مردم تهران معنای حمایت زاکانی از جلیلی را به دقت می‌دانند.»

آرای پزشکیان افزایش دارد اگر...

به‌طور طبیعی بخشی از حامیان میانه‌روی قالیباف در دور دوم انتخابات به پزشکیان رای می‌دهند اما آنچه اکنون باید در دستور کار قرار گیرد، به صحنه آوردن آنانی است که با صندوق رای قهر کرده‌اند. مطالبه‌گری مداوم و استفاده از ظرفیت رسانه‌ها و حتی شبکه‌های اجتماعی برای بیان اعتراض نسبت به معضلات و ناکارآمدی‌ها، راهکارهای مناسب و در دسترسی هستند. قهر با صندوق رأی و صرف‌نظرکردن از حق مشارکت سیاسی، در هیچ قالب تحلیلی درستی نمی‌تواند به‌عنوان یک راهکار اعتراضی شناخته شود. محمدجواد ظریف معتقد است: «دلخوری‌ها و نارضایتی‌ها وجود دارد اما قهر با صندوق راه‌حل نیست. تنها نتیجه رأی ندادن، پیروزی اقلیت و ادامه و تشدید وضعیتی است که از آن ناراضی هستیم.» عباس آخوندی، وزیر راه و شهرسازی دولت‌های یازدهم و دوازدهم هم اظهارداشت: «قهر با صندوق رای هیچ مشکلی را حل نمی‌کند؛ باید با بهره‌گیری از فرصت انتخابات به مسیر اصلی برگردیم و ایران را در معادلات جهانی قرار دهیم.» روز گذشته محمود صادقی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «در انتخابات چهاردهم با وجود مشارکت ۴۰ درصدی، دکتر پزشکیان اکثریت آرا را به دست آورد. این پیروزی بزرگی برای او و برای اصلاح‌طلبان است. پزشکیان می‌تواند با جلب آرای بخشی از کسانی‌که به‌هر دلیل در مرحله اول رأی ندادند و بخش تکنوکرات و میانه آرای قالیباف پیروز مرحله نهایی باشد.»

«آرمان ملی» لزوم سازوکاری برای عدم انصراف نامزدها از انتخابات را بررسی می‌کند

کاندیداهایی برای انصراف

از ۱۰۵۶ میلیارد تومان بار مالی تا هزینه معنوی بر جامعه

آرمان ملی- حمید شجاعی: انتخابات ریاست جمهوری و کاندیداهای خود همه نوع تیپ شخصیتی از هر نوع گرایشی به خود دیده و می‌بینند، اما برخی هستند که اساسا می‌آیند که نمانند یا به عبارتی می‌توان آنها را کاندیداهایی با ماموریت مشخص برای رفتن مطرح کرد. چهره‌هایی که خود می‌دانند قدرت رای‌آوری ندارند و صرفا طی یکسری هماهنگی‌های جریانی برای تخریب رقیب یا پوشش کاندیدای اصلی جریان خودی وارد رقابت‌ها می‌شوند و اغلب نیز مناظرات انتخاباتی را تا آخر طی می‌کنند و سپس با یک اطلاعیه یا بیانیه که «به نفع فلان گروه یا جریان در مسیر اتحاد و اجماع ایثار و فداکاری می‌کنیم.» از انتخابات کناره‌گیری می‌کنند. غافل از اینکه چه هزینه‌های گزافی برای حضور آنها در رقابت‌های انتخاباتی شده است. البته در این میان نکته ظریفی مطرح است که همه کناره‌گیری‌ها و انصراف‌ها از پیش تعیین شده و هدفمند نیست و بعضی از این اقدامات تحت شرایط و تابع شرایط بروز و ظهور می‌کند. به‌عنوان مثال در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ که تعداد زیادی از نامزدهای اصولگرا مثل محمدباقر قالیباف، علی‌اکبر ولایتی، سعید جلیلی، غلامعلی حدادعادل و محسن رضایی بودند از اصلاح‌طلبان محمدرضا عارف، از اعتدالیون حسن روحانی و سیدمحمد غرضی هم مستقل آمده بود تا دقیقه نود کسی انصراف نداد؛ اما محمدرضا عارف در یک ائتلاف انتخاباتی که در همان زمان رقابت‌ها اتفاق افتاد به نفع حسن روحانی کنار رفت. یا اسحاق جهانگیری در رقابت‌های انتخاباتی و مناظرات به حدی درخشان ظاهر شد که برخی اصلاح‌طلبان معتقد بودند که از او باید حمایت کنند، اما در نهایت در همان زمان اصلاح‌طلبان تصمیم گرفتند که ائتلاف با روحانی را حفظ کنند و جهانگیری کناره‌گیری کند. لذا این انصراف‌های ائتلافی تفاوت بسیاری دارد تا برخی انصراف‌ها که از ابتدا مشخص است برای رفتن و کنارکشیدن آمده‌اند. مثل انتخابات سال ۱۴۰۰ که ابتدا مرحوم سیدابراهیم رئیسی، محسن رضایی، سعید جلیلی، امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی و علیرضا زاکانی در رقابت‌ها حاضر شدند و جلیلی و زاکانی به نفع رئیسی کنار رفتند. هر چند که این مساله از ابتدا نیز مشخص بود که این نامزدها برای حمایت و پوشش رئیسی به رقابت‌ها آمده‌اند و قصد ماندن ندارند. رویه‌ای که در انتخابات اخیر نیز اتفاق افتاد و نشان داد که باید فکر عاجلی برای این مساله نمود. چه اینکه چند روز پیش نیز حسین انتظامی، معاون پیشین وزارت فرهنگ و کارشناس برنامه‌های میزگرد فرهنگی انتخاباتی تلویزیون به این مساله واکنش نشان داد و در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «کاش یکی از اولین اقدامات رئیس‌جمهور جدید اصلاح قوانین انتخابات و احزاب باشد: اولا فقط نامزدهای حزبی امکان ثبت‌نام داشته باشند. ثانیا چند صد حزب موجود، با شاخص‌هایی رتبه‌بندی شوند و فقط احزاب فراگیر امکان معرفی نامزد داشته باشند، آن هم فقط یک نماینده! مثل همه جای دنیا.»

کاندیداهایی برای انصراف

«تصور نمی‌کنم آقای قاضی‌زاده تا آخر در انتخابات بماند.» این جمله‌ای بود که از سوی مسعود پزشکیان مطرح شد و چندی بعد مشخص شد که بی‌دلیل نبوده است. چنانکه قاضی‌زاده هاشمی شامگاه چهارشنبه ۶ تیر طی بیانیه‌ای در شبکه ایکس نوشت: «به منظور حفظ انسجام نیروهای انقلاب و در پاسخ به درخواست مکتوب شورای عالی اجماع نیروهای انقلاب و برخی از علما و دلسوزان از ادامه مسیر انصراف داده، امیدوارم ۳ برادر دیگرم نیز در فرصت باقیمانده اجماع نموده تا جبهه انقلاب تقویت گردد.» اما این پایان کار نبود چرا که چند ساعت بعد از روز پنجشنبه دومین کاندیدایی که معلوم بود کنار خواهد رفت انصراف خود را اعلام کند. جایی‌که او ضمن اعلام انصراف خود در شبکه ایکس از سایر نامزدها نیز خواست که ائتلاف کنند. این در حالی است که در مناظرات مسعود پزشکیان بارها انصراف او را پیش از موعد به رخش کشیده بود. چه اینکه هشتگ «تا آخر می‌مونی دیگه؟» تا چند روز پیش از انتخابات در صدر بازدیدها یا به اصلاح (ترند) شبکه اجتماعی ایکس بود که در مناظره سوم از سوی مسعود پزشکیان خطاب به علیرضا زاکانی مطرح شد که از نظر او تا آخر در رقابت‌ها نخواهد ماند و همین اتفاق نیز افتاد. گرچه زاکانی آن زمان در پاسخ به پزشکیان گفت: «حتما؛ می‌مانم و نمی‌گذارم شما رئیس‌جمهوری شوی!» و حتی پس از آن در جمع هوادارانش گفته بود تا آخر می‌مانم و یک رئیسی نشان دهید که به نفع او کنار بکشم، اما روز پنجشنبه برخلاف همه گفته‌هایش کنار کشید تا همه برنامه‌ها و قول و وعده‌هایش نیز با خودش کنار برود. اما نکته اینجاست که چرا نباید در قانون انتخابات این مساله درج شود که ابتدا به ساکن هر کسی نتواند بدون ساز و کار مشخص حزبی و تشکیلاتی وارد مقوله رقابت‌های انتخاباتی شود و از طرف دیگر به همین راحتی نتوانند خارج شود. چنانکه با برنامه از قبل یا روتین از تمامی امکانات در انتخابات از جمله آنتن زنده تلویزیون استفاده کنند و هزینه‌هایی برایشان خود را در اختیار شود و سپس با یک بیانیه کناره‌گیری کنند. جالب اینکه همان‌ها امروز همه امکانات ستادی خود را در اختیار سعید جلیلی در راستای حمایت از وی قرار داده‌اند.

از بار مالی انصراف تا بار معنوی

انصراف کاندیداهای ریاست جمهوری واکنش‌های زیادی را در پی داشت اما نکته جالب میزان هزینه‌ای بود که برای آنها انجام شده است. عبدالرضا داوری، فعال رسانه‌ای در شبکه ایکس نوشت: «بودجه برگزاری انتخابات ۸ تیرماه ۱۴۰۳، ۱.۵۵ همت است؛ هزینه پخش برنامه‌های تبلیغاتی نامزدها در صداوسیما: ۲۵۰ میلیون تومان در دقیقه؛ تعداد دقایق برنامه‌های تبلیغاتی هر نامزد: ۱۰۸۰ دقیقه و بار مالی نامزدی هر نامزد: ۵۲۸ میلیارد تومان.» او نتیجه‌گیری کرد که «انصراف قاضی‌زاده ۵۲۸ میلیارد تومان برای نظام هزینه داشت.» با ضرب این رقم در عدد دو و با احتساب هزینه‌هایی که انصراف زاکانی به نظام و به عبارت بهتر بیت‌المال و مردم تحمیل کرده است به عدد ۱۰۵۶ میلیارد تومان می‌رسیم! از طرف دیگر جدای از بار مالی که مطرح شد کلی هزینه معنوی نیز ایجاد می‌کنند و با برخی صحبت‌ها له یا علیه کسی یا تخریب برخی کاندیداها بر نگاه جامعه تاثیر می‌گذارند. جالب اینکه عباس سلیمی نمین، فعال سیاسی پیشنهاد جالبی در این خصوص مطرح می‌کند که می‌تواند مانع از ورود هر کسی به عرصه انتخابات شود. او می‌گوید: در بسیاری از کشورها نامزدهایی که درصد رای آن‌ها پایین است باید پس از تبلیغات هزینه آن را پس بدهند، صداوسیما هم می‌تواند طبق قانون این کار را بکند. اینکه برخی با پول عمومی در انتخابات شرکت کنند و جایگاه خود را ارتقا بدهند و رای هم نداشته باشند درست نیست.» حال مشخص نیست که این رویه ادامه خواهد یافت یا تغییر خواهد کرد.

گزارش

بررسی ریزش آرای محمدباقر قالیباف در انتخابات‌های مختلف

قالیباف ناکام بزرگ پاستور

شاید آنچه در چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری بیش از همه به چشم آمد نه دو مرحله‌ای شدن انتخابات این دوره بلکه شکست سنگین محمدباقر قالیباف در سومین حضور او در ماراتن ریاست جمهوری بود. قالیباف، رویای پاستور را از انتخابات سال ۸۴ دنبال می‌کرد و در همه این سال‌ها تلاش‌های زیادی برای راهیابی به پاستور انجام داده بود، زمانی تصور می‌کرد از مسیر شهرداری تهران می‌تواند همچون احمدی‌نژاد به پاستور برود اما این مسیر برای او خوش یمن نبود. بر همین اساس نیز راهی مجلس شد تا شاید سرنوشتی شبیه آیت‌ا... هاشمی داشته باشد اما او در این مسیر هم ناکام ماند؛ «یک ناکامی تاریخی» این ناکامی زمانی برای او معنادارتر می‌شود که کاندیداتوری‌اش در این دور از انتخابات را مرور کنیم، او درست چند روز بعد از حضور بر کرسی ریاست مجلس دوازدهم به وزارت کشور رفت و کاندیدای ریاست جمهوری شد. بسیاری این تصمیم او را نقد کردند خاصه آنکه او به مستقلین مجلس وعده داده بود در صورت حمایت از ریاستش بر پارلمان عزم انتخابات ۱۴۰۳ را نکند، قالیباف اما کاندیدا شد، تایید صلاحیت شد اما بازهم سرنوشت ۸۴ و ۹۲ برای او تکرار شد.

شکست در انتخاباتی با مشارکت ۴۰ درصد

آمار رسمی انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم با مشارکت ۴۰ درصدی مردم دیروز در سراسر کشور اعلام شد و انتخابات به مرحله دوم رفت تا در نهایت از بین مسعود پزشکیان و سعید جلیلی یک نفر راهی «پاستور چهاردهم» شود. آنگونه که ستاد انتخابات کشور اعلام کرده است؛ محمدباقر قالیباف در این دوره از انتخابات با کسب ۳.۳۸۳.۳۴۰ رأی نفر سوم این انتخابات شد. همانطور که اشاره شد علاوه بر سال ۱۴۰۳، در ۳ دوره انتخابات ریاست جمهوری در سال های ۱۳۸۴، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ کاندیدا شده بود اما در انتخابات سال ۹۶ به نفع شهید ابراهیم رئیسی کناره‌گیری کرد و تا آخر در صحنه نماند. اما روند حضور قالیباف در ۳ انتخابات طی ۱۹ سال اخیر و رأی ریخته شده به سبد او چه می‌گوید؟ قالیباف در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ که با مشارکت ۶۳ درصدی برگزار شده بود از میان ۲۹.۳۶۲.۸۶۱ رأی مأخوذه، با کسب ۴.۰۷۵.۱۸۹ رأی، نفر چهارم از میان ۷ نامزد انتخاباتی شد. تکلیف این انتخابات نیز به مثابه انتخابات ۱۴۰۳، در مرحله دوم میان آیت‌ا... هاشمی رفسنجانی و محمود احمدی‌نژاد مشخص شد و در نهایت احمدی‌نژاد راهی پاستور شد. مقایسه آرای محمدباقر قالیباف در این دوره از انتخابات با انتخابات ۱۳۸۴ که هر دو در دو مرحله تعیین تکلیف شد، نشان می‌دهد که آرای وی ۶۹۱.۸۴۹ رأی ریزش داشته است. (مقایسه تنها عددی است نه تحلیل بدنه رأی طی ۱۹ سال) نکته قابل توجه آن است که در فاصله ۱۹ ساله بین دو انتخابات، میزان مشارکت ریزش ۲۳ درصدی داشته است.

ریزش رأی قالیباف در فاصله ۱۱ ساله بین دو انتخابات

در انتخابات سال ۹۲ قالیباف با امیدواری زیاد راهی انتخابات شد و این بار نیز در دوگانه‌ای که بین خود و روحانی ساخته بود به دام افتاد و شکست خورد. محمدباقر قالیباف در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ نیز از میان ۳۶.۷۰۴.۱۵۶ رأی مأخوذه، ۶.۰۷۷.۲۹۲ رأی کسب کرده بود. میزان مشارکت در این انتخابات ۷۳ درصد بود؛ ۱۰ درصد بیشتر از انتخابات ۸۴. مقایسه رأی قالیباف در انتخابات ۱۴۰۳ نسبت به انتخابات سال ۱۳۹۲ نیز نشان‌دهنده ریزش ۲.۶۹۳.۹۵۲ رأیی است (مقایسه تنها عددی است نه تحلیل بدنه رأی طی ۱۱ سال).

رأی قالیباف می‌ریزد حتی در انتخابات مجلس

نوسان و ریزش آرای محمدباقر قالیباف، به انتخابات ریاست جمهوری خلاصه نمی‌شود، بلکه در انتخابات مجلس دوازدهم نیز که ۱۱ اسفندماه ۱۴۰۲ برگزار شد، نسبت به انتخابات ۱۳۹۸، این روند مشهود است. او در انتخابات مجلس یازدهم با کسب ۱.۲۶۵.۲۸۷ رأی به‌عنوان نفر اول از حوزه انتخابیه تهران وارد بهارستان شد، اما در انتخابات اسفندماه سال ۱۴۰۲ با ریزش ۸۱۷.۳۸۲ رأی تنها توانست ۴۴۷.۹۰۵ رأی را اخذ کند.

نگره

هوادار جلیلی:

دانشجویان علاقه‌مند به مهاجرت ممنوع‌الخروج شوند

خروج متخصصان و دانشجویان از کشور مشکل بزرگی است که کاندیداهای ریاست جمهوری بارها به آن اشاره کردند. برخی از آنها دلیل خروج‌شان از کشور را برخی تندروی‌ها در برخورد با ساحت دانشگاه و دانشجو عنوان می‌کنند که شاید توئیت روز گذشته حمید رسایی حامی جلیلی از آن دسته باشد: «افرادی که به اسم دانشجو هر روز به بهانه‌ای دانشگاه شریف را متشنج می‌کنند، دنبال بهانه‌ای برای اخراج و درگام بعد اقامت گرفتن در اروپا هستند. راه مواجهه با آنها مطابق ضوابط دانشگاه، ابتدا اخراج و سپس ممنوع‌الخروجی ۱۰ تا ۱۵ ساله است.» علی شریف زارچی، استاد اخراجی دانشگاه شریف، با انتشار دو توئیت از حمید رسایی، نماینده پایداری و حامی سعید جلیلی نوشت: «امروز رای ندهید، مدتی بعد، کارزار لغو ممنوعیت تحصیل و خروج دانشجویان امضا کنید.» به‌طور کلی سعید جلیلی تعاملی با همه اقشار دانشجویان ندارد و سعی می‌کند از پاسخ به آنها طفره رود، مانند زمانی‌که پاسخ بی‌ربطی به سوال دانشجویی که گفت «اگر مسمومیت‌ها کار خودتان نیست پس خیلی بی‌عرضه‌اید که نمی‌توانید امنیت را تامین کنید» داد و گفت: «هماوردی تمدنی در حال شکل گرفتن است!» پس پربیراه نیست که امروز رسایی هم این چنین درباره دانشجویان سخن بگوید.